

پذیرش مسؤولیت مدنی در اخلاق زیست محیطی: در راستای حفظ محیط زیست

ناصر قاسمی^۱

فلورا حیدری^۲

چکیده

محیط زیست به مرور زمان دستخوش تغییرات زیادی گردیده است که امروزه علت عمده آن را ناشی از دخالت‌های انسان در روند تغییرات طبیعی آن می‌دانند. تخریب منابع طبیعی و کاهش ثروت‌های ملی در کشور در نتیجه افزایش جمعیت که موجب پدید آمدن اختلالاتی در زندگی اجتماعی و تحمیل آثار آن بر محیط زیست شده است و همچنین، پیامدهای ناشی از آن همچون محدودیت‌های منابع اولیه، منجر به ارایه راهکارهای مدیریتی گردیده است که از آن جمله می‌توان به گسترش فرهنگ اخلاق زیست محیطی اشاره کرد. در همین راستا فنون و روش‌های علوم محیط زیست گسترش یافت که از این میان می‌توان به همراهی اخلاق زیست محیطی با مسؤولیت مدنی واردکنندگان خسارت بر محیط زیست اشاره نمود که می‌تواند در جهت حفاظت از محیط زیست و جبران خسارات زیست محیطی مورد توجه و اجرا قرار گیرد. همچنین، در زمینه محیط زیست به عنوان ابزاری جدید محسوب می‌شود که در جهت پیشگیری از خسارات زیست محیطی اقدام می‌کند و از وقوع خسارات در آینده نیز جلوگیری خواهد کرد. به عبارت دیگر، پذیرش مسؤولیت مدنی در اخلاق زیست محیطی، حفاظت از محیط زیست را هدف قرار می‌دهد و چارچوبی جدید و نو برای حل بحران‌های زیست محیطی ارایه می‌نماید. این مقاله ضمن توصیف اخلاق زیست محیطی با مسؤولیت مدنی تلاش دارد که فرآیندی جدید برای حفاظت از محیط زیست ارایه دهد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، اخلاق زیست محیطی، حفاظت، خسارت، مسؤولیت مدنی.

۱. استادیار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

۲. کارشناس ارشد حقوق محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Email: floraheidari@yahoo.com

پذیرش نهایی ۱۳۹۴/۹/۲۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۶/۳۰

طرح مسأله

محیط سالم برای زندگی یکی از نعمت‌های الهی و از امور مورد توجه بشر می‌باشد. ظهور و گسترش بحران‌های زیست‌محیطی که دامنه آن علاوه بر انسان، جانوران و گیاهان را نیز دربر گرفته است، سبب شد جوامع انسانی به مسأله حفاظت از محیط‌زیست توجه بیشتری نمایند (فراهانی فرد، ۱۳۸۵، ص ۹۳) از خصوصیات بارز جهان پیشرفته که امروزه بشر در آن زندگی می‌کند، علاوه بر تغییرات سریع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تغییر و دگرگونی محیط‌زیست است. بعضی از این تغییرات تأمین کننده سعادت بشری هستند و بعضی دیگر بسیار خطرناک بوده و تأثیرات سوئی بر کیفیت زندگی انسان‌ها دارند. (به‌روزی راد، ۱۳۷۸، ص ۱۷) یکی از عواملی که محیط زیست را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، در نتیجه رشد تکنولوژی به وقوع می‌پیوندد. دستاوردهای آدمی از رشد و ترقی علم و تکنولوژی بی‌شمار است و این مسأله بیانگر این واقعیت است که امروزه تکنولوژی با حیات بشر گره خورده است و بر آن تأثیر گذاشته است؛ اما رشد تکنولوژی در کنار فواید بی‌شمار خود، نابهنجاری‌هایی را نیز به همراه داشته است و آن آسیب‌پذیری محیط‌زیست می‌باشد. (احمدزاده لایقی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۵۲) جهان خلقت مملو از ناشناخته‌های بسیاری است که روند نابخردانه توسعه و تخریب سبب گردیده است بسیاری از مواهب طبیعت و خدماتی که از این رهگذر می‌تواند انسان را سودمند نماید، پیش از شناخت کافی از دسترس خارج شود. امروزه حفاظت از تنوع زیستی برای نگهداری یکپارچگی طبیعت و ذخایر آن یک استراتژی پذیرفته شده به حساب می‌آید. (دانه کار، ۱۳۸۰، ص ۷۶) البته در فرآیند توسعه نمی‌توان انتظار داشت که بدون تغییرات در محیط‌زیست، رشد صنعتی و اقتصادی امکان‌پذیر شود؛ اما این واقعیت روشن شده است که بدون رعایت اصول توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست، نمی‌توان آینده‌ای مطلوب برای نسل حاضر و نسل‌های بعد تصور کرد. به همین دلیل موضوع حمایت از محیط‌زیست در جهت منافع بشری و از بین بردن آثار مخرب فعالیت‌های صنعتی تبدیل به مسأله‌ای جدی در جهان معاصر شده است (Eftekhari, 2015, p.1) و مبنای نظری تعیین کننده تعامل انسان با طبیعت از جمله اخلاق مورد توجه علاقه‌مندان محیط‌زیست گردیده است. با توجه به آن که تبیین نظریه اخلاق زیست‌محیطی مناسب از ضروریات حفاظت و بهره‌برداری از محیط‌زیست محسوب می‌گردد، (عابدی سروستانی، شاه ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۵۹) امروزه دیدگاه جهانی نسبت به اخلاق تغییر کرده است و به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحران‌های زیست‌محیطی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا سیاست‌های زیست‌محیطی نه تنها می‌باید از جامعیت برخوردار باشند؛ بلکه این نوع از سیاست‌ها در اجرا محتاج حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقیاتی هستند که زیربنای حفاظت‌های محیطی می‌باشند. (Richardson, 2005, p.341) در فرهنگ اخلاقی همسازی و هماهنگی با عالم و محیط-

زیست در جهت کمال معنوی موضوع اصلی است و حضور عامل اخلاق در بحث‌های محیطی برای حل بحران‌های زیست محیطی ضروری می‌نماید. (محمدی آشنانی، ۱۳۸۶، ص ۹۹)

با توجه به آن که یکی از ابعاد حفاظت محیط زیست، همراهی اخلاق زیست محیطی با مسؤولیت مدنی واردکنندگان خسارت بر محیط زیست می‌باشد، هدف از این تحقیق تلفیق اخلاق محیط زیست با مسؤولیت مدنی و به کارگیری آن در سطوح کلی و راهبردی است که براساس آن می‌توان در جهت حفاظت از محیط زیست و جبران خسارات وارده بر آن اقدام کرد.

اخلاق و محیط زیست

اخلاق در لغت جمع واژه «خُلُق» و به معنی خوی‌ها است. از این رو دانش بررسی و ارزش گذاری بر خوی‌ها و رفتارهای آدمی، علم اخلاق نامیده می‌شود. (فرهود، ۱۳۸۶، ص ۱) به طور کلی، اخلاق راهنمای عمل انسان است. انسان‌ها همواره با این پرسش روبرو بوده‌اند که چه رفتاری درست است و چه رفتاری ناشایست است و معیار درستی یا اشتباه بودن یک عمل چیست؟ اخلاق را نیز می‌توان مطالعه فلسفی رفتار درست و اشتباه قوانین و اصولی دانست که باید رفتار را راهنمایی کند. (عابدی سروستانی، شاه ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۶۱)

در تعریف محیط زیست آمده است که، «محیط زیست عبارت است از: محیطی که فرآیند حیات را فراگرفته است و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز، فضاهاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند؛ تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین یعنی زیست کره را فرا می‌گیرد. هم‌چنین، محیط زیست محیطی است با خصایص بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی معین که در آن محیط، بشر و سایر موجودات ذی حیات در طول زندگی خود می‌توانند از یک زندگی طبیعی بهره‌مند باشند و به عبارت دیگر، محیط زیست از مجموعه موجودات، منابع، عوامل جاندار و غیرجاندار و شرایط هماهنگی که پیرامون هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات بشر به آن وابسته است؛ تشکیل می‌شود و به عنوان هدیه‌ای الهی می‌باشد». (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۶)

اخلاق زیست محیطی

یکی از حوزه‌های فکری اصلی که در دوران معاصر توانسته است پیوندی میان تفکرات نظری در رشته‌هایی مانند فلسفه، الهیات، مسایل و معضلات عملی زندگی بشر برقرار کند، دانشی است که از آن به اخلاق کاربردی تعبیر می‌شود که اخلاق زیست محیطی یکی از شاخه‌های این دانش است. (گئری ال، ۱۳۸۷، ص ۷۰) اخلاق کاربردی تعاملات انسان با محیط غیر انسانی را از منظر اخلاقی بررسی می‌کند. (Dabiri, 2015, p.1) پیدایش این مقوله بدون شک به واسطه آگاهی بشر از تأثیرات فناوری، صنعت، توسعه اقتصادی و رشد جمعیت بر روی

محیط‌زیست در دهه ۱۹۶۰ میلادی بود؛ اما توجه جدی به این مقوله در دهه ۱۹۷۰ میلادی در جهان آغاز شد. (Kasaieian, 2015, p.1) اخلاق زیست‌محیطی به دلیل ضرورت‌های دوران معاصر و پس از گسترش زندگی شهرنشینی، توسعه تکنولوژی و بروز انواع بیماری‌های روحی و روانی پدید آمده است (مایکل پی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، ص ۶۱) و در آن برای حل مسایل ناشی از بحران زیست‌محیطی که خطرترین بحران جهان کنونی است، چاره‌جویی می‌شود. (گئری ال، ۱۳۸۷، ص ۷۰) حوزه اخلاق محیط‌زیست ناظر بر رابطه اخلاقی بین نوع بشر با طبیعت اطراف خود است. (Kasaieian, 2015, p.1) اخلاق زیست‌محیطی راجع است به افراد و گروه‌ها در مقام مرتکبین و زیان‌دیدگان اعمال و رفتار. به صورت سنتی بیشترین دغدغه اخلاق، انسان‌ها در مقام مرتکبین و متأثرین اعمال بوده‌اند و بر انسان به عنوان تأثیرگذار و تأثیرپذیر هر عمل متمرکز بوده است. البته در مورد تحولات اخیر و اشاعه این دغدغه به مراحل دیگر می‌توان این‌طور بیان کرد که ابتدا به حیوانات جز انسان، سپس به موجودات زنده به طور کلی و سرانجام به مجموعه‌هایی نظیر جمعیت‌ها، اجتماع گیاهان، دریاچه‌ها، رودها و کوه‌ها می‌رسد که حرکت به سوی هر مرحله ریشه‌ای‌تر از مرحله قبلی است. اخلاق زیست‌محیطی نه فقط محیط‌زیست طبیعی؛ بلکه محیط‌زیست شهری و این که انسان‌ها چگونه از لحاظ جسمی، روحی و روانی تحت تأثیر طرح و مصالح ساختمان‌هایی که در آن‌ها زندگی و کار می‌کنند، تحت تأثیر چیدمان شهرها، نحوه تدارک خدمات عمومی و امثال آن قرار می‌گیرند را شامل می‌شود. (بنسون، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۳۳-۳۵) به عبارت دیگر، اخلاق محیط‌زیست در وسیع‌ترین مفهوم خود عبارت است از: «مطالعه رابطه بشر با همه چیزهایی که جزئی از محیط‌زیست به شمار می‌آیند». این رابطه موجودی است که دارای احکام اخلاقی است، موجودی که برای او موضوع درستی و نادرستی قابل طرح است. لازم به ذکر است که تعبیر «همه چیزها» شامل سایر انسان‌ها و آن چه که انسان می‌سازد، مانند ماشین و شهر و ... نیز می‌شود. (بنسون، ۱۳۸۵، ص ۶۲۸) نکته درخور توجه آن است که انسان در این اواخر پیوسته متوجه روابط ظریف همبستگی موجودات زنده با محیط‌زیست مشترک می‌شود. یک اخلاق آگاه به محیط‌زیست آن است که به این واقعیت که موجود زنده از هر نوع که باشد خود جزئی از محیط‌زیست خویش است؛ توجه کامل کند و به آن در هنگام تدبیر، پیرامون اقداماتی که احتمال دارد بر آن موجود تأثیر گذارد، اهمیت کامل دهد. اخلاق زیست‌محیطی در روابط اخلاقی، موجودات انسانی را با موجودات زیستی غیرانسانی از لحاظ شئون ارزشی و اخلاقی پیوند داده است. (Husseini, 2015, p.3) بنابراین، محور اصلی این رشته، بررسی ارزش‌ها و بایسته‌های اخلاقی در طبیعت و محیط‌زیست انسان و ارزش‌های مثبت و منفی جاری در این محیط و نیز، کاوش در ماهیت دیگر موجودات غیرانسانی از حیث ارزشی و چگونگی روابط است. (مایکل پی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، صص ۶۰-۷۴) سعی اخلاق زیست‌محیطی، ارایه دلایل

نظام مند و جامعی برای این منظور است که چرا باید روابط اخلاقی بین انسان‌ها و محیط‌زیست طبیعی وجود داشته باشد و می‌توان آن را مطالعه رفتار درست و اشتباه در درون یک محیط‌زیست مشخص، تعریف نمود. (Hatcher, 2004, pp. 357-363)

ضرورت اخلاق زیست محیطی

واقعیت این است که از ریشه‌های تاریخی بحران‌های زیست‌محیطی، دیدگاه‌های فلسفی، مذهبی و اخلاقی ما نسبت به آن‌ها یعنی ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و نیز خوبی‌ها و زشتی‌ها کمتر سخنی به میان می‌آید. در حالی که بدون پرداختن صحیح به این مباحث در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آن‌ها، هر چه از تباه شدن محیط‌زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، راه به جایی برده نمی‌شود. اهمیت درک و شناخت اخلاق تا حدی است که اغلب دانشمندان و بسیاری از متخصصان محیط‌زیست، حفاظت محیط‌زیست را یک موضوع مهم اخلاقی می‌دانند؛ اما در زمینه نوع اخلاقی که بتواند با تشریح حوادث و فجایع زیست‌محیطی، درک و احساس جدیدی را از جایگاه مخلوقات در جهان ارایه دهد، کمبود وجود دارد. از نظر دانشمندان، گسترش اخلاق زیست‌محیطی از دیدگاه رابطه انسان با محیط‌زیست، یک فرصت انقلابی و ضرورتی زیست‌محیطی است که نیاز به آن امروزه بیش از پیش احساس می‌شود و براساس آن علایق انسان در مقابل علایق سایر موجودات بایستی متعادل شود؛ زیرا نکته مهم، چگونگی حفاظت از جمعیت غیر انسانی در برابر آسیب‌های انسانی است. از اینرو، به اخلاق به عنوان مبنایی برای پاسخگویی به این قبیل دغدغه‌ها توجه می‌شود. تغییرات ایجاد شده در طبیعت به وسیله فعالیت‌های انسان‌ها، به تردید و ضرورت ارزیابی مواضع اخلاقی نسبت به طبیعت منجر شده است و به دنبال آن اخلاق زیست‌محیطی با تعریف مجدد باید و نبایدها در ارتباط با محیط‌زیست و ارزیابی موقعیت بشر نسبت به آن مواجه گردیده است. در واقع به دلیل نبود توافق پیرامون راه‌هایی که باید برای اصلاح یا تغییر شکل تعامل مشکل ساز انسان با محیط‌زیست دنبال شوند، پیشنهاد‌های گوناگون و اغلب متضادی در این باره ارایه شده‌اند. این پیشنهادها بیشتر در قالب الگوهای هنجاری برای رفتار اجتماعی یا اخلاق، مفهوم سازی شده اند.

از دلایل دیگر ضرورت اخلاق زیست‌محیطی، تأثیری است که جهان بینی و راهنمایی‌های اخلاقی، بر رفتارهای فردی و جمعی دارند. باورهای زیست‌محیطی یا جهان بینی، به عنوان نظامی از گرایش‌ها و باورها درباره رابطه بین انسان و محیط‌زیست، تعیین کننده رفتارهای حفاظتی یا چارچوب‌های مرجعی هستند که هنگام تعامل با محیط‌زیست از آن‌ها استفاده می‌شود. در این رابطه می‌توان گفت که طرز فکر ما اولین چیزی است که وارد محیط می‌شود و با شکل دهی چگونگی ارزش گذاری اجزای مختلف زیست بوم، چگونگی رفتار ما با آن را تعیین می‌کند.

(عابدی سروستانی، شاه ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، صص ۶۰-۶۱)

دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی

برای حفاظت از محیط‌زیست، نحوه رفتار انسان با طبیعت و روش زندگی وی باید تغییر یابد. از این جهت، تنظیم مجموعه رفتارهایی به عنوان راهنمای تعامل انسان با طبیعت ضروری است. در این راستا علم اخلاق که با توجه به نظام ارزش‌ها به تبیین بایدها و نبایدها و درستی و نادرستی رفتارهای انسان می‌پردازد، در قالب اخلاق زیست محیطی و به منظور تبیین رفتارهای انسان با طبیعت بایستی گسترش یابد.

عمده‌ترین مسایل اخلاق محیط‌زیست حول دو محور بحث می‌شوند:

۱- ارزش ذاتی محیط‌زیست

۲- ارزش ابزاری محیط‌زیست

منظور از ارزش ذاتی محیط‌زیست این است که ارزشی که به آن نسبت داده می‌شود به خاطر سودمندی‌اش برای انسان نیست؛ بلکه به خودی خود واجد ارزش است. به آن معنا که ارزش محیط‌زیست مستقل از موجودیت موجود ارزش‌گذار یعنی انسان است (Husseini, 2015, p.2). به عبارتی، یک موضوع یا واقعیت در صورتی ذاتاً خوب است که فی‌نفسه ارزشمند باشد، گرچه لزوماً از خوبی فی‌نفسه برخوردار نیست؛ ولی به خوبی می‌انجامد. کسانی که ارزش محیط‌زیست را ذاتی می‌دانند، بر این باورند که باید به دنبال تأسیس اصول اخلاقی جدید، جدای از مکتب‌های رایج اخلاقی سنتی بود. از نظر این گروه اصول اخلاقی سنتی به شدت انسان محور بوده و منافع محیط‌زیست را فدای منافع انسانی می‌کند. (پالمر، ۱۳۸۵، صص ۷۳-۷۴)

منظور از ارزش ابزاری محیط‌زیست آن است که ارزش یک شیء به ارزشی که برای سایرین دارد؛ وابسته است و در غیر این صورت، هیچ‌گونه ارزشی نخواهد داشت. (عابدی سروستانی، شاه ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۶۱) بنابراین، اشیاء و سیستم‌های طبیعی، مانند درخت، دریاچه و جنگل به خودی خود ارزشمند نیستند؛ بلکه از آن جا که تأمین‌کننده منافع انسان هستند به همان دلیل و همان میزان واجد ارزش هستند. (Husseini, 2015, p.2) در ارزش ابزاری محیط‌زیست از نحوه اندیشیدن آدمی در خصوص رابطه‌اش با محیط‌زیست بحث می‌شود. آیا رابطه آدمی با طبیعت باید مانند رابطه شاگرد با استاد تنظیم شود که در این حالت بایستی با پیروی از طبیعت روش درست رفتار کردن را از خود طبیعت بیاموزیم یا این که آدمی نیز باید خود را جزیی از طبیعت و نه تافته جدا بافته از آن بداند. در این صورت نبایستی خود را برتر از طبیعت بداند و به بهره‌کشی از آن روی آورد. (Dabiri, 2015, p.1)

هدف از بررسی پیرامون اخلاق محیط‌زیست آن است که هم در بُعد نظر و هم در بُعد عمل

به ارزش گذاری محیط زیست و عدم تخریب آن توجه بیشتر شود. به خصوص در بُعد نظر از آن جهت که اگر با دیدگاه های ابزاری محیط زیست را در خدمت منافع انسان بدانیم، چه بسا به گونه ای افراطی در عمل منجر به نابودی محیط زیست گردد. درک مفهوم آسیب و ورود خسارت بر محیط زیست و تفکر جبران خسارت وارده می تواند از لحاظ نظری برای حفظ عملی محیط زیست راهگشا باشد. انسان سودجو و منفعت خواه به خصوص از آن جهت که خود را می بیند و نه حتی نسل های بعدی را، تلاش می کند تا حد ممکن از طبیعت به نفع خویش بهره برد. (Husseini, 2015, p.2) در این شرایط اخلاق زیست محیطی ایجاب می نماید که انسان ها تعهدات اخلاقی خود را در جهت رویارویی با نگرانی های محیط زیست حساس کنند. (Kasaieian, 2015, p.2)

رویکردهای اخلاق زیست محیطی

اختلاف نظر در این که چه هویت هایی از جایگاه اخلاقی مستقل برخوردارند، باعث شده است که نظریات مختلفی در محیط زیست گرایی پدید آید که این نظریات طیفی از نظریات سطحی تا نظریات عمیق را تشکیل می دهند. برای اشاره گویا به این نظریات می توان از اصطلاح سبز استفاده کرد که عبارتند از:

۱- محیط زیست گرایی سبز روشن: رویکرد عملی این دیدگاه مشکلات محیط زیست را در چهار قضیه خلاصه می کند:

- مشکلات محیط زیست عبارتند از تغییراتی محلی یا جهانی در محیط زیست که ناشی از عمل انسان یا غیر آن بوده است و رفاه انسان را تهدید می کند.

- انسان ها در هر مورد که بتوانند این تغییرات را کنترل کنند یا دگرگون سازند، دلیل کافی دارند که به شیوه ای عمل نمایند که از آسیب ها پرهیز شود، این شیوه ها شامل تغییر در رفتار فردی و پشتیبانی جمعی از ضوابط پذیرفته شده است.

- رفاه انسان وابسته به رفاه بسیاری از چیزهای دیگر است، خواه به سبب فایده ای که به انسان می رساند و خواه به دلیل اهمیت ذاتی که برای انسان دارد. بنابراین، باید با اقداماتی که برای تأمین رفاه انسان پیش بینی شده است از آن ها مراقبت شود.

- از آن جا که تنها انسان جایگاه اخلاقی مستقل دارد، تنها حفاظتی که برای موجودات غیر انسانی می توان طلب کرد، همان اقداماتی است که به دلیل اهمیت این موجودات برای انسان اعمال می شود.

۲- محیط زیست گرایی سبز تند یا سبز تیره: سبزترین موضع را در سه قضیه می توان خلاصه کرد:

- مشکل محیط زیست عبارت است از هرگونه تغییری که در این عرصه نامحدود برای هر

چیز خطر ایجاد می‌کند.

- برای جلوگیری از این خطرها ضروری است عامل انسانی برای خود وظایفی به مراتب وسیع‌تر از آن چه اخلاقیات سنتی حکم می‌کند به رسمیت بشناسد، اگر چه اخلاقیات سنتی تنها برای انسان جایگاه اخلاقی مستقلی قابل می‌شوند.

- طرفداران این دیدگاه براین عقیده‌اند که اخلاق سنتی برای حل مشکلات محیط‌زیست منابع کافی در اختیار ندارد. مدعای آن‌ها این است که قضیه چهارم در موضع سبز روشن نادرست است و باید به جای آن قضیه زیر را دنبال کرد:

- موجودات زنده و نظام‌های طبیعی (دست کم آن‌ها که دارای موجود زنده هستند) به خودی خود اهمیت دارند، به این معنا که جایگاه مستقلی دارند. حامیان این عقیده، عدم کفایت اخلاقیات سنتی غرب در تأمین تمام دل‌مشغولی‌های زیست‌محیطی را در قالب مثالی از «آخرین انسان» اثبات می‌کنند. مقصود آن‌ها از آخرین انسان، فردی است که از فروپاشی نظام جهان جان سالم به در برده است. آنان معتقدند که اخلاقیات سنتی انسان محور، نمی‌تواند مبنای محکومیت اعمال آخرین انسان را فراهم کند و در نتیجه بر اساس این اخلاقیات چنین فردی مجاز به هرگونه تخریبی در طبیعت خواهد بود. در حالی که وجداناً چنان اعمالی خطاست و از این رو باید به اخلاق جدیدی متوسل شد (Dabiri, 2015, p.1)

اخلاق زیستی در اسلام

اخلاق زیستی به شکل تنگاتنگ با آموزه‌های گسترده اخلاقی قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص) و با نوعی تفسیر از شریعت اسلامی مرتبط است که همگی به طور مشخص، نشان از اهمیت اخلاق زیستی در زندگی انسان دارد. از دیدگاه اسلام، همه مخلوقات عالم متناسب با بهره آن‌ها از کمالات وجودی و عنایت الهی از ارزش برخوردار هستند؛ اما لزوماً این ارزش، اخلاقی نیست. شأن و ارزش اخلاقی تنها مربوط به موجوداتی است که دارای توانایی انتخاب آگاهانه هستند و بر این اساس، تنها انسان دارای شأن و ارزش اخلاقی است و همین انسان نسبت به همه موجودات آفرینش مسؤولیت دارد و در جهان آخرت درباره آن‌ها مورد پرسش قرار خواهد گرفت. از یکسو انسان با نوعی کرامت تکوینی یا ذاتی (اسراء: ۷۰) توانایی بهره‌گیری از همه مخلوقات در جهت اهداف خود را که «مقام عبودیت» است (ذاریات: ۵۶) دارد و با عقل‌ورزی و انتخاب آگاهانه و استعداد کمال‌یابی بی‌نهایت، در این آزمون الهی (انعام: ۱۶۵؛ ملک: ۲) مسیر کمال خود را طی می‌کند (انشقاق: ۶) و در این مسیر، زمین بستر آرامش و آسایش، رشد و شکوفایی انسان است (بقره: ۲۲؛ طه: ۵۳؛ ملک: ۱۵) و نعمت‌های الهی به عنوان امانت در اختیار او قرار داده شده است (احزاب: ۷۲) و جهت تأمین مصالح انسان، طبیعت برای او تسخیر و رام گردیده است (ابراهیم: ۳۳؛ نحل: ۱۲ و ۱۴) و حق تصرف و استفاده نیز دارا است (بقره: ۲۹؛

اعراف: ۱۰) که اگر درست استفاده نکند، ستمگر و ناسپاس خواهد بود (ابراهیم: ۳۴) و پایین‌تر از چهارپایان، در مقام گمراهان قرار خواهد گرفت (اعراف: ۱۷۹). فارغ از ارزشمندی همه موجودات الهی متناسب با بهره‌کمالی آن‌ها، شأن، ارزش، حق و مسؤولیت اخلاقی به معنای خاص، از میان مخلوقات الهی فقط به انسان اختصاص دارد؛ زیرا فقط او دارای قدرت اختیار و انتخاب و هدف آگاهانه است و شعور، آگاهی و انتخاب سایر مخلوقات، طبیعی یا غریزی است و نه اختیاری. مسؤولیت اخلاقی انسان در برابر طبیعت، بر حسب فضیلت امانت‌داری و جانشینی عام او در زمین و نیز به موجب قاعده تلازم میان حق و تکلیف، در قبال حق الهی، تصرف و بهره‌برداری از طبیعت است که باید با رضایت و اذن خداوند و مطابق با دستورها و احکام الهی باشد. پس نمی‌تواند هرگونه که بخواهد با طبیعت و محیط‌زیست رفتار نماید و هر مقدار که بخواهد از آن استفاده کند؛ بلکه باید براساس ضوابط و به مقداری که برای بقا، رشد و کمال حقیقی او ضرورت دارد، بدون اسراف، تبذیر، تخریب و افساد در طبیعت تصرف و از آن استفاده کند (مؤمن: ۳۴؛ مائده: ۳۳ و ۶۴؛ اسراء: ۲۶ و ۲۷). (Barzanooni, 2015, pp.2-7)

اخلاق زیست محیطی و توسعه

بسط و گسترش استفاده از فناوری‌های جدید، علاوه بر آن که امکانات گسترده و متنوعی را برای عمل در طبیعت فرا روی آدمی قرار می‌دهد، سبب ورود خسارات گسترده به طبیعت شده است. امروزه نگرش بشر به چگونگی استفاده از طبیعت تغییر نموده است. بشری که می‌کوشید با ساده‌زیستی در طبیعت به فکر حیات اخروی خود باشد، اکنون در پی پیدایش فلسفه‌های جدید است و هیچ حد و مرزی را در ارتباط با طبیعت و بهره‌گیری از آن نمی‌پذیرد. (جوادی، ۱۳۸۷، ص ۴۹) جای بسی تأسف است که با صنعتی شدن، بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و انرژی‌های تجدیدناپذیر، توان طبیعت برای خنثی‌سازی فعالیت‌های مخرب کاهش یافته است. خسارات زیست محیطی نه تنها محیط طبیعی را با خطرات غیرقابل جبران مواجه ساخته است؛ بلکه حیات و ادامه زندگی انسان‌ها، حیوانات و حتی گیاهان را نیز، با خطرات بسیار جدی و حادی مواجه نموده است. هم‌چنین، براساس برآورد کارشناسان حجم خسارت‌های اقتصادی ناشی از ورود خسارات بر محیط‌زیست در هر سال به هزارها میلیون دلار می‌رسد. (قوام، ۱۳۷۵، ص ۴) براین اساس، با قرار دادن اصول اخلاق محیط‌زیست و تأثیر دادن نکات آن در طرح‌های توسعه و استفاده از آموزه‌های اخلاقی می‌توان شاهد تحولات چشمگیر در زمینه کاهش ورود خسارات بر محیط‌زیست بود. اخلاق زیست محیطی حکم می‌کند که نسل کنونی بیش از حد در منابع طبیعی و حیاتی کره زمین دخل و تصرف نکند؛ بلکه در حد نیاز از آن بهره‌برداری نماید و این امانت را که از گذشتگان به ما رسیده است با شرایط ایده‌آل به آیندگان بسپارد. (رضوانی، ۱۳۸۰، ص ۵). برای بسیاری از مردم واژه «توسعه» تداعی کننده وجود اقتصاد در حال رشد، تکنولوژی

پیشرفته، صنعت بدیع، کشاورزی سودآور، صلح و آرامش پایدار است که انگیزه ثروت مادی است. در حالی که هدف، دستیابی به رشد و توسعه‌ای ارگانیک، متعادل و موزون است که در برگیرنده تمام جنبه‌های زندگی و مهم‌تر از همه برقراری عدالت اجتماعی می‌باشد. توسعه باید بر محیط طبیعی و محیط اجتماعی اثر مثبت داشته باشد و سلامت جسمی و روحی انسان‌ها را تضمین کند. بنابراین، یکی از اهداف توسعه پایدار، بسترسازی مناسب برای ارتقای سلامت انسان و اعتلای کیفیت زندگی او است. توسعه پایدار باید بتواند استراتژی‌ها و ابزارهای لازم را برای رفع نیازهای اساسی انسان فراهم سازد. تلفیق حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از ورود خسارت بر آن با توسعه، دستیابی به عدالت اجتماعی، حفظ یگانگی اکولوژیکی و تنوع فرهنگی از اساسی‌ترین این نیازها است. در سطح اجرایی می‌توان برای توسعه پایدار چهار بُعد به هم پیوسته را بازشناخت: ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی که با هم مرتبط و به طور نسبی بر یکدیگر تأثیرگذارند. برای این که توسعه در دراز مدت پایدار باشد، باید بین این چهار بُعد، تعادل وجود داشته باشد. آن چه در مفهوم توسعه پایدار اهمیت دارد و به عنوان یک ضرورت باید از آن نام برد این است که توسعه پایدار بر همبستگی میان نسل‌ها تأکید دارد و مبتنی بر آینده‌نگری است و به آیندگان می‌اندیشد، از امکانات موجود در حد نیاز و بر حسب ضرورت استفاده می‌کند و مدعی است کره زمین و منابع طبیعی موجود در آن فقط متعلق به یک نسل نیست؛ بلکه آیندگان نیز باید به نحو مطلوب و عادلانه از آن بهره‌جویند. (Ehrich, 2002, p.31)

بنابراین، نوع رفتار انسان با محیط‌زیست تا حد زیادی به چگونگی درک او از رابطه خود با محیط‌زیست وابسته است. این که انسان چگونه برای محیط‌زیست ارزش قایل است، تعیین کننده می‌باشد که نقش و عملکرد خود را بر زمین چگونه می‌بیند و برای به اشتراک گذاردن این منابع با دیگران چگونه رفتار می‌نماید. (Abedi sarvestani, Shah vali and Mohaghegh damad, 2015, p.1)

مسئولیت مدنی و محیط زیست

شرط اساسی و اولیه برای مصداق یافتن مسئولیت مدنی وجود خسارت است. اگر عملی هرچند نامتعارف و ناشایست و حتی جرم نیز باشد، چنانچه خسارتی به بار نیورد، مسئولیت مدنی تحقق نمی‌یابد. (آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۶). در این نوع از مسئولیت، چهره کیفی و مکافات دهنده کارهای ناصواب جای خود را به جبران خسارت داده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۶) به نظر می‌رسد می‌توان مسئولیت مدنی را چنین تعریف کرد: «هرگاه شخصی متعهد به جبران خسارت وارده بر دیگری باشد که این خسارت عرفاً منسوب به وی باشد و شخص هیچ حق مشروعی در اضرار به غیر نداشته باشد، مسئولیت مدنی در جبران خسارت خواهد داشت» (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۲۷). برای تحقق مسئولیت مدنی در محیط‌زیست باید خسارت ملموس و عینی باشد، یک یا

چند عامل آلاینده معین یا قابل تعیین وجود داشته باشد و نیز، رابطه سببیت میان خسارت و عامل آلاینده موجود باشد. (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۹) در این شرایط متضرر از عمل زیانبار در چارچوب مسؤولیت مدنی اقامه دعوی کرده و از دادگاه ذیصلاح تقاضای جبران خسارت می‌نماید. (داراب پور، ۱۳۸۷، ص ۹۵) دعاوی ناشی از مسؤولیت مدنی امروزه بزرگ‌ترین دعاوی مدنی را تشکیل می‌دهد. توسعه روزافزون مسؤولیت مدنی در وهله اول مرهون کثرت خساراتی است که بر اثر ترقی جامعه صنعتی و ماشینی پدید می‌آید. این فراوانی دعاوی نشانه تغییر تفکر و نمودار نیاز به امنیت در زندگی است که بیش از پیش همراه با خطر است و از طرفی به جهت احقاق حق برای زیان‌دیده در حقوق معاصر و برقراری نظم و امنیت اجتماعی و حفظ عدالت در جامعه و نیز، موضوع حفاظت محیط‌زیست، مسؤولیت رو به افزایش و فراوانی است و وقوع حادثه فرصت مناسب برای مطالعه خسارت وارده است و زیان‌دیده این فرصت را از دست نمی‌دهد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۸)

تلفیق اخلاق زیست محیطی و مسؤولیت مدنی

بهتر آن است به جای این که اجازه داده شود تا افراد با انهدام یا آلوده کردن محیط‌زیست مرتکب جرم و ایراد خسارت شوند و سپس به دلیل جرم ارتكابی به مجازات برسند و یا ورود زیان مسؤول جبران آن شناخته شده و متحمل جبران گردند، از ابتدا توجه اساسی مصروف پیشگیری از وقوع جرم و خسارت بر محیط‌زیست شود و به دنبال روش‌هایی بود که متضمن پیشگیری و جلوگیری از ورود صدمه و آسیب بر محیط‌زیست است (قوام، ۱۳۷۵، ص ۴۳)؛ زیرا هرگونه تلاش در این زمینه به مراتب ارزشمندتر از تلاشی است که در جهت جبران خسارت وارده انجام می‌شود. چه بسا محیط‌زیست آلوده و تخریب شده هرگز به وضعیت گذشته خود باز نگردد و آثار منفی ورود این خسارت همواره بر پیکره محیط‌زیست باقی بماند. (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۵)

همان‌طور که هدف اصلی در تعیین مسؤولیت مدنی در رهگذر موضوعات زیست-محیطی، علاوه بر جبران خسارت وارده، پیشگیری از ورود خسارت بر محیط‌زیست می‌باشد، یعنی نگاه آن متوجه آینده بوده و شامل خساراتی که هنوز واقع نشده‌اند نیز خواهد بود، (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱) در کنار آن آموزه‌های اخلاقی می‌تواند با دیدگاهی که با رویکرد پیشگیرانه و قبل از اقدام دارا است، در جهت جلوگیری از ورود خسارت بر محیط‌زیست عمل نماید. اهمیت درک و شناخت اخلاق در حفاظت از محیط‌زیست تا حدی است که اغلب دانشمندان و بسیاری از متخصصان محیط‌زیست، حفاظت محیط‌زیست را یک موضوع مهم اخلاقی می‌دانند. (Ehrich, 2002, p.31) برای حفاظت از محیط‌زیست، نحوه رفتار انسان با طبیعت و روش زندگی وی باید تغییر یابد. از این جهت، تنظیم مجموعه رفتارهایی به عنوان راهنمای تعامل انسان با طبیعت ضروری است. در این راستا علم اخلاق که با توجه به نظام

ارزش‌ها به تبیین بایدها و نبایدها و درستی و نادرستی رفتارهای انسان می‌پردازد، در قالب اخلاق زیست‌محیطی و به منظور تبیین رفتارهای انسان با طبیعت (عابدی سروستانی، شاه ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۶۹) و از سوی دیگر، مسؤلیت مدنی که الزام و ناگزیر بودن در محتوای آن نهفته است و بدون این الزام به جبران خسارت، مفهوم مسؤلیت مدنی بی معنا است، (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۸) به عنوان یکی از راه‌کارهای الزام واردکنندگان خسارت بر محیط‌زیست به جبران خسارت وارده، بسط یافته است.

وظیفه اخلاق زیست‌محیطی، تعیین اصول و معیارهایی است که بر روابط انسان با طبیعت به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن حاکم باشند. این اصول با ایجاد بازدارنده‌های درونی اخلاقی، به دنبال تصحیح رفتار نادرست انسان با طبیعت هستند. (عابدی سروستانی، شاه ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۶۹) هم‌چنین، وظیفه مسؤلیت مدنی که در زمینه محیط‌زیست به عنوان ابزاری جدید محسوب می‌شود، ضمن تلاش در جهت پیشگیری از ورود خسارت، در راستای جبران خسارتی که بر محیط‌زیست وارد می‌شود نیز، اقدام می‌نماید و از وقوع خسارات در آینده هم جلوگیری خواهد کرد. مسؤلیت مدنی ناشی از لطمه و اختلال بر محیط‌زیست، راه و طریقی است برای اجبار و الزام واردکنندگان خسارت به جبران خسارتی که سبب شده‌اند یا روشی برای جبران خسارت متحمل شده توسط زیان‌دیده است و به عنوان وسیله‌ای که نه تنها به علت و سبب خسارت؛ بلکه به مقدار و میزان آن نیز توجه می‌نماید؛ مطرح می‌شود. (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۱۸) در بسیاری از دعاوی، تعیین میزان خسارت وارده بر محیط‌زیست بر پایه از دست رفتن منابع طبیعی و هزینه اعاده کاربرد آن است (Wild, 2001, p.31)

تلفیق درست علمی و کاربردی اخلاق زیست‌محیطی با مسؤلیت مدنی می‌تواند علاوه بر فراهم آوردن ایجاد رویکردی پیشگیرانه در جهت جبران خساراتی که بر محیط‌زیست وارد می‌شود؛ تلاش نماید تا از این طریق بتواند محیط‌زیستی سالم برای نسل‌های کنونی و نسل‌های بعدی متصور شد و با قرار دادن اصول اخلاق محیط‌زیست و اختصاص عنوان و فضای لازم و تأثیر نکات آن، شاهد تحولات چشمگیر در زمینه حفاظت از محیط‌زیست بود. به عنوان نمونه، قبل از تدوین طرح‌های توسعه در محیط‌زیست، مطابقت آن را با ملاحظات اخلاق زیست‌محیطی مورد بررسی قرار داده و نتایج حاصل از آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و سپس بر اساس آن تصمیم‌گیری شود. حال اگر علی‌رغم تلاش و تطابق فعالیت‌ها با ملاحظات اخلاق محیط‌زیست، خسارتی بر منابع طبیعی وارد آید، با لحاظ اصول و مبانی مسؤلیت مدنی، جبران خسارت وارده بایستی انجام پذیرد که شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- اعاده طبیعت به وضع سابق تا سر حد امکان که شامل بازگرداندن عین اجزای محیط-

زیست یا مصادیق آن اعم از گیاه، حیوان و ... یا از بین بردن منبع آلوده کننده می باشد.

۲- پرداخت غرامت معادل خسارت وارده. (قاسمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۳۹۲)

بنابراین، اگرچه انجام طرح‌های توسعه و فناوری می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از چالش‌ها و نیازها باشد؛ اما معضلات متعددی را نیز به همراه خواهد آورد و خسارات فراوانی را بر منابع طبیعی وارد می‌کند که برای مرتفع کردن و جبران آن‌ها نیاز به تخصص‌های پیچیده خواهد بود. در نتیجه قسمت اعظم تلاش انسان باید صرف برطرف کردن این مشکلات شود و بحران‌های زیست محیطی نیز، هشداری به بشر برای تغییر طرز تفکر و رویه زندگی او است. (مخدوم، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

نتیجه گیری

نوع رفتار بشر با محیط‌زیست تا حد زیادی به چگونگی درک بشر از رابطه خود با محیط-زیست وابسته است. این که بشر چگونه ارزشی برای محیط‌زیست قایل است، بیان کننده این موضوع است که نقش و عملکرد خود را بر روی زمین چگونه می‌بیند و برای به اشتراک گذاردن این منابع با دیگران، چگونه رفتار می‌کند. امروزه محیط‌زیست طبیعی مورد تهدید است و انسان با کمک فناوری قادر است تا در سطح کره زمین به تخریب محیط‌زیست اقدام کند. از سوی دیگر، نگرش آدمی به چگونگی استفاده از طبیعت دچار تغییر شده و تغییرات ایجاد شده در محیط‌زیست به وسیله فعالیت‌های انسان‌ها، به پیدایش تردید در ضرورت ارزیابی مواضع اخلاقی نسبت به محیط‌زیست منجر شده است و به دنبال آن اخلاق زیست محیطی با تعریف مجدد بایدها و نبایدها در ارتباط با محیط‌زیست و ارزیابی موقعیت بشر نسبت به آن مواجه شده است. پذیرش خالی نبودن طبیعت از ارزش را می‌توان سرآغاز اخلاق زیست محیطی دانست. اخلاق زیست محیطی بر این اندیشه استوار است که اخلاق باید تا آن جا گسترش یابد که تنظیم نحوه روابط انسان‌ها و طبیعت را نیز، شامل شود.

ضرورت قراردادن آموزه‌های اخلاقی قبل از انجام طرح‌های توسعه و فناوری با رویکرد پیشگیرانه، خود به دنبال تصحیح رفتار نادرست بشر با محیط‌زیست است و کمک شایان توجهی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست می‌نماید و چه بسا بتواند از انجام تصمیماتی که سبب ورود خسارات فراوان بر محیط‌زیست می‌شود نیز، جلوگیری نماید؛ خساراتی که جبران آن‌ها مستلزم صرف هزینه بسیار است. اما از آن جا که حفظ کیفیت محیط‌زیست و منابع طبیعی دارای ارزش والایی است و بر اساس رویکرد اصلاحی که باید ترمیم خرابی‌ها و جبران خسارات پس از تدوین طرح‌های توسعه و فناوری صورت پذیرد، مسؤولیت مدنی به عنوان یکی از راه‌های الزام واردکنندگان خسارت به جبران خساراتی که بر منابع طبیعی وارد آمده است، وارد عمل می‌شود. بنابراین، رویکرد تلفیق اخلاق زیست محیطی با مسؤولیت مدنی می‌تواند در زمینه حفاظت از

محیط‌زیست بسیار کارآمد باشد و برای جلوگیری از ایجاد و تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، پیشنهاد می‌گردد که آموزه‌های اخلاق محیط‌زیست همراه با اصول علمی زیست‌محیطی به عنوان مبنا و در صورت ورود خسارات بر محیط‌زیست، همراه با اصول و قواعد مربوط به مسؤولیت مدنی مورد توجه قرار گیرد تا علاوه بر این که از ورود آسیب‌های گسترده زیست-محیطی جلوگیری شود، حفظ کیفیت و شرایط مطلوب محیط‌زیست را نیز، هدف قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ۱- آبادی، امیرحسین، ۱۳۸۵، بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسؤولیت مدنی، مجله تخصصی الهیات و حقوق / پژوهش‌ها، شماره ۲۰، مشهد.
- ۲- احمدزاده لایقی، تهمینه، ۱۳۷۹، حل معضلات زیست محیطی با تولید تمیز در وراء استاندارد، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، جلد ۹، شماره ۴، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
- ۳- بهروزی راد، بهروز، ۱۳۷۸، *تالاب‌ها در قرن بیست و یکم*، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۲۸، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
- ۴- بنسون، جان، ۱۳۸۵، اخلاق محیط‌زیست: مقدمات و مقالات، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
- ۵- بنسون، جان، ۱۳۸۲، اخلاق زیست محیطی، ترجمه محمد مهدی رستمی شاهرودی، چاپ اول، جلد اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران.
- ۶- پالمر، مایکل، ۱۳۸۵، مسایل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل بویه، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- ۷- جوادی، محسن، ۱۳۸۷، انسان محوری در اخلاق زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۹۰، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
- ۸- حسینی نژاد، حسینقلی، ۱۳۷۰، مسؤولیت مدنی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- ۹- داراب پور، مهرباب، ۱۳۸۷، مسؤولیت‌های خارج از قرارداد، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.
- ۱۰- *دانه کار، افشین*، ۱۳۸۰، *یافته‌هایی از جهان خلقت*، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۳۴، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
- ۱۱- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۰، حفاظت مشترک از میراث فرهنگی و طبیعی؛ ضرورتی برای دستیابی به توسعه پایدار، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۶۷ و ۱۶۸، تهران.
- ۱۲- عابدی سروستانی، احمد، شاه‌ولی، منصور و محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۶، ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره‌های ۱ و ۲، تهران.
- ۱۳- فرهود، داریوش، ۱۳۸۶، مروری بر تاریخچه اخلاق همراه با گردآوری زمینه‌های گوناگون اخلاق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره‌های ۱ و ۲، تهران.
- ۱۴- فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۵، مشکلات و راه‌های برون رفت از منظر اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۲، قم.
- ۱۵- قاسمی، ناصر و حیدری، فلورا، ۱۳۹۰، بررسی مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی،

- فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، شماره ۳۴، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۱۶- قاسمی ناصر، ۱۳۸۴، حقوق کیفری محیط‌زیست، چاپ دوم، انتشارات جمال الحق، تهران.
- ۱۷- قوام، میرعظیم، ۱۳۷۵، حمایت کیفری از محیط‌زیست، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی، مسؤلیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی، ۱۳۸۷، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲، دوره ۳۸، تهران.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسؤلیت مدنی، غصب و استیفاء، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- گئری ال، کامستوک، ۱۳۸۷، خداپاوری و اخلاق زیست‌محیطی، ترجمه انشاء... رحمتی، فصلنامه بازتاب اندیشه، شماره ۹۸، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم.
- ۲۱- محمدی‌آشنانی، علی و محمدی‌آشنانی، محمدحسین، ۱۳۸۶، درآمدی بر اخلاق زیست‌محیطی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس مهندسی برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های محیط‌زیست، چاپ اول، دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران.
- ۲۲- مایکل پی، نلسون، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، اخلاق زیست‌محیطی، ترجمه زهرا واعظی نژاد، فصلنامه اخلاق، شماره‌های ۲ و ۳، اصفهان.
- ۲۳- مخدوم، مجید، ۱۳۸۴، زیستن در محیط‌زیست، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۴- یزدانیان، علیرضا، ۱۳۷۹، حقوق مدنی (قلمرو مسؤلیت مدنی)، چاپ اول، نشر ادبستان، تهران.

- 25- Abedi sarvestani, Shah vali and Mohaghegh damad, 2015, Importance and attitude of environmental ethic with emphasis on Islamic attitude, Available at: <http://www.rasekhoon.net/article/show/165740>.
- 26- Barzаноoni, Mohammad ali, 2015, Islam and environmental ethic with emphasis on environmental ethic, Available at: <http://www.ibn-sina.net/fa/tekstovi/1673-islam-i-bioetika-s-naglaskom-na-ekoloku-etiku-prof-dr-mohammad-ali-barzаноoni.html>.
- 27- Dabiri, Ahmad, 2015, Environmental ethics, Available at: <http://www.PajooH.Com/fa/index>.
- 28- Eftekhari, Mohsen, 2015, Crimes against environment, Available at: <http://www.hoqouqe.com/articles/85.html>.
- 29- Ehrich, Paul Ralph, 2002, Human nature Conservation and environmental ethics. Bio Science, Vol. 52, No.1.
- 30- Hatcher, Teri, 2004, Environmental ethics as an alternative for evaluation theory in for ° Profit business contexts, Evaluation and Program Planning, No. 27.
- 31- Kasaieian, Ovia, 2015, Environmental ethics, Available at:

<http://www.irandeserts.com/articles/943.htm>.

32- Richardson, Tim, 2005, Environmental assessment and planning theory: four short stories about power, multiple rationality, and ethics. Environmental Impact Assessment Review, Vol. 25, No.4.

33- Wild, Mark Lester, 2001, The Ec Commisson s White paper on Environment Liability: Issues and Implication. Journal of Environmetal Law, Vol.13, No. 1.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی